

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۲۹ اگست ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّورِ» - ۶

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سورة نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

روزی که زبان و دست و پاهای‌شان بر آن‌ها به کارهایی که کرده‌اند شهادت دهند. (۲۴)
یعنی در روز قیامت می‌بینند که: اعضای بدن بر اعمال انسان شهادت می‌دهند، زبان و دست و پا به زبان آمده و اعمال بد انسان را باز می‌گویند.

توضیح لغات واصطلاحات :

«أَلْسِنَتُهُمْ»: مراد از به گفتار آمدن زبان، با وجود این که برابر آیات دیگر مهر شده است (سورة: یس، آیه ۶۵)، به نطق آوردن زبان و همه اندام‌های دیگر است، به گونه‌ای که تنها خدا می‌داند (سورة: فصلت آیات ۲۰ و ۲۱).
باید یادآور شد که در محکمه عدل الهی در روز قیامت، انسان حتی مالک اعضای خود نمی‌باشد و آغاز به شهادت می‌کند و انسان بر تمامی گفتارها و کردارهایی که به عمل آورده است جوابگو می‌باشد. شهادت دادن، به درک و شعور نیاز دارد. بنابراین اعضای بدن آنچه را انجام می‌دهند درک می‌کنند، گرچه از نوع درک ما بی‌اطلاع هستیم.

يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵)

در آن روز، الله جزای شایسته آنان را به‌طور کامل و بی‌کم و کاست به ایشان می‌دهد و خواهند دانست که الله همان (معبود) حق آشکار است. (۲۵)

زمخسری می‌گوید: «اگر تمام قرآن را زیرورو کنید و از آنچه که نافرمانان را به آن تهدید کرده‌است جست‌وجو نمانید، نمی‌بینید که الله متعال در هیچ موضوعی چون موضوع بهتان علیه عائشه (رض)، سخت و شدت به کار برده باشد و نه چنان آیات کوبنده آمیخته با هشدار سخت را نازل کرده باشد و اگر جز همین سه آیت در این باره نازل نمی‌شد، همین سه آیت کافی بود».

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲۶)

زنان خبیث و ناپاک برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان خبیث و ناپاک و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند، این گروه از آنچه (منافقان) می‌گویند، مبرا و منزّه هستند. برای‌شان آمرزش و رزق نیکوست. (۲۶)

مفسر تفسیر صفوة التفاسیر علی صابونی می‌نویسد: این آیت برائت حضرت عائشه رضی الله عنها را ثابت می‌کند؛ زیرا همسر اشرف مخلوقات و عزیزترین انسان می‌باشد. و مطابق مفهوم این آیت اگر عقیف و پاکدامن و شریف نمی‌بود، خدا او را همسر محبوب‌ترین بندگان خود قرار نمی‌داد.

«**أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ**»: آن زنان با فضیلت و با شخصیت از افتراء و بُهتان و دروغی که مفتریان در حق آنان سر هم کرده‌اند، منزّه و بری می‌باشند.

«**لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ**»: در مقابل آزاری که به آن‌ها رسیده است، گناهشان بخشوده می‌شود، و برای‌شان در بهشتی پر ناز و نعمت و در جوار پروردگاری مهربان، روزئی نیکو و پاکیزه است.

ابن کثیر می‌فرماید: این آیت: بیانگر آن است که همسر پیامبر صلی الله علیه و سلم در بهشت جا دارد.

ابن عباس (رض) در شأن نزول آیت می‌فرماید: «این آیت درباره عائشه و اهل افک نازل شد».

روایت شده است که سیدتنا عائشه (رض) فرمود: «برایم نه خصلت داده شده که به هیچ زنی قبل از من داده نشده: ۱- آنگاه که جبرئیل علیهم السلام رسول الله صلی الله علیه وسلم را به ازدواج با من فرمان داد، به شکل و صورت من فرود آمد.

۲- من تنها دختر باکره‌ای بودم که پیامبر صلی الله علیه وسلم با من ازدواج کردند و با هیچ بکری غیر از من ازدواج نکردند.

۳- آنگاه که رسول الله صلی الله علیه وسلم رحلت نمودند، سر مبارک ایشان در آغوش من بود.

۴- رسول الله صلی الله علیه وسلم در خانه من دفن شدند.

۵- فرشتگان در خانه من بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم گرد آمدند.

۶- آنگاه که وحی نزد دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ایشان نازل می‌شد، آن‌ها از نزد ایشان پراکنده می‌شدند و دور می‌رفتند، اما چون وحی در کنار من بر ایشان نازل می‌شد، با ایشان در درون یک لحاف قرار داشتم.

۷- من دختر جانشین و صدیق (تصدیق کننده نخستین) ایشان هستم.

۸- عذر و برائت من از آسمان نازل شد.

۹- من پاکیزه آفریده شدم و در نکاح سرور پاکیزه‌ای درآمدم و از بارگاه الله متعال به آمرزش و رزقی نیکو وعده داده شده‌ام».

خوانندگان گرامی!

بعد از این که حد مجازات اتهام و افتراء و داستان افک به بیان گرفته شد، اینک در آیات متبرکه (۲۷ الی ۲۹) حکم ششم، که همانا اجازه گرفتن برای وارد شدن به خانه‌ها و شیوه و آداب آن، که زینده مطالب پیشین است، می‌پردازد، تا کسی در مظان اتهام و بدگمانی قرار نگیرد.

واقعاً چه زیبا است که قرآن عظیم الشان کتاب رهنمای زندگی بشریت، تا این اندازه به زندگی بنی آدم عنایت دارد تا هر کس بخوبی از زندگی اش برخوردار گردد و ابهامی برایش باقی نماند و از نظم و رسمی درست و اصولی پیروی کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْلُوا بِيُوتَكُمْ غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خود مشوید تا آن که اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام گوئید، [رعایت] این کار برای شما بهتر است، تا شاید پند گیرید و یادآور شوید. (۲۷)

اهل ایمان، در امور زندگی باید از وحی الهی دستور بگیرند!

«حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا»: تا خواستار اُنس و اُلُفت می‌شوید. هدف اجازه گرفتن مؤدبانانه و دوستانه است. ناگفته نباید گذاشت که شیوه و وسیله اجازه خواستن هم برابر عُرْف محلّ متفاوت است. در ضمن باید متذکر شد که باز بودن دروازه خانه، دلیل جواز برای ورود بیگانگان بدون اجازه نیست، از هر کاری که موجب شکستن حریم حیاء و حجاب جانب مقابل می‌شود، باید اجتناب و دوری نمایم.

امام نسفی می‌فرماید: «اعلام به صاحب خانه برای کسب اجازه ورود، با گفتن سبحان الله، یا الله اکبر، یا الحمد لله، یا سینه صاف کردن باید همراه باشد.»

مفسر تفسیر صفوة التفسیر شیخ صابونی در تفسیر این آیت مبارکه می‌نویسد:

بعد از این که الله متعال متعال مردم را از تهمت زدن به زنان پاکدامن برحذر داشت و شدت مجازات آن را بیان کرد، و چون زمینه بروز این تهمت اختلاط مردان و زنان و وارد شدن به منازل یک دیگر در اوقات استراحت بود، لذا الله متعال انسان را به آداب رفتن به منازل و مسکن دیگران راهنمایی کرده و دستور می‌دهد که قبل از ورود به منازل دیگران باید اجازه ورود به آن را گرفت و بعد از ورود متصلاً باید سلام کنند. طوری که می‌فرماید: «حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا»، یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که خانه شما نیست بدون اجازه، داخل مشوید. «و بر اهل آن خانه سلام گوئید» به‌طور مثال با این صیغه: السلام علیکم، اجازه هست که داخل شوم؟ و این سخن را از یک تا سه بار تکرار کنید. آری! سه‌بار اجازه گرفتن مستحب است و اگر بعد از آن برای دیدار کننده اجازه دخول داده شد، خوب و در غیر آن باید بازگردد.

«ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ»: این اجازه گرفتن و سلام کردن برای‌تان بهتر است از داخل شدن به‌طور ناگهانی. یعنی: برای هر دو طرف بهتر است، اعم از شخص اجازه گیرنده و اهل آن خانه «لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ»: «باشد که متذکر شوید» مراد از تذکر، پند پذیرفتن و عمل کردن به این دستورات است.

امام قرطبی در این مورد می‌فرماید: یعنی اجازه خواستن و سلام کردن، برای شما از رفتن بدون اجازه بهتر است و نیز از سرزده وارد منزل دیگران شدن و سلام دادن به شیوه جاهلیت بهتر است. در عهد جاهلیت وقتی یک نفر وارد خانه دیگری می‌شد می‌گفت: صبح‌تان به‌خیر، شب‌تان به‌خیر، و هنگامی وارد منزل می‌شد که زن و شوهر را در بستر و زیر لحاف می‌دید.

روایت است که یک نفر به پیامبر صلی الله علیه و سلم عرض کرد آیا هر وقت به منزل مادرم می‌روم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، مرد گفت: آخر جز من خدمتکاری ندارد. آیا هر وقت وارد منزلش می‌شوم باید اجازه بگیرم؟

فرمود: آیا دوست داری موقعی که برهنه است نزد او بروی؟ گفت: نه، نه، فرمود: پس اجازه بگیر. (تفسیر بیضاوی ۵۷/۲).

شان نزول آیت ۲۷:

۷۶۷- فریابی و ابن جریر از عدی بن ثابت روایت کرده اند: زنی از انصار آمد و گفت: ای رسول خدا! در خانه حالتی دارم که دوست ندارم مرا در آن حالت کسی ببیند و همیشه یکی از افراد خانواده در آن حال نزد می‌آید. من چه کار کنم؟ پس آیت « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا»، نازل گردید (واحدی ۶۳۸ از طریق فریابی و طبری ۲۵۹۲۱ هردو از اشعث بن سوار از عدی بن ثابت روایت کرده اند).

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸)

نهایتاً اگر کسی را در آن‌ها نیافتید، پس داخل آنجا نشوید، تا این‌که به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شود: برگردید، پس بر گردید که برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. و الله به آنچه می‌کنید داناست. (۲۸) یعنی: اگر اهل آن خانه به شما گفتند: باز گردید! پس بازگردید و بار دیگر درخواست اجازه از آنان را تکرار نکنید و بر داخل شدن با فشاری هم نکنید. عذر صاحب خانه را بپذیرید و خود را به صاحب خانه نباید تحمیل کنید. زیرا منازل احترامی دارند و نباید بدون اجازه صاحبان وارد آن شد. نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است.

«هُوَ أَزْكَى لَكُمْ» برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است از آلوده شدن به پافشاری بر دخول، زیرا عدم پافشاری‌تان حاکی از سلامت قصد، پاک‌نیت، دوری از معرض گمان و تهمت و گریز از دنائت و پستی است، درحالی‌که پافشاری بر دخول و هر کار دیگری که موجب ناراحتی اهل آن خانه شود، مانند زدن در دروازه به تمام شدت، بلند کردن صدا و دیگر امور خلاف اصول معاشرت، دور از ادب شرعی می‌باشد. باید به صورت کل گفت که ملاک در روابط اجتماعی، همانا پاک‌ی و طهارت است.

«وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» الله متعال به نهان و تمام اعمال شما آگاه است و مطابق آن جزای شما را می‌دهد. امام قرطبی گفته است: این آیت به سخت‌ترین شیوه، خبرچینان و جاسوسان منازل را تهدید می‌کند.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹)

گاهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آنجا متاعی متعلق به شما وجود دارد و الله آنچه را آشکار می‌کنید یا پنهان می‌دارد می‌داند. (۲۹)

خوانندگان گرامی!

بعد از این که الله متعال حکم منازل مسکونی را بیان کرد، حکم منازل غیر مسکونی را به شرح ذیل به بیان گرفته است؛ طوری‌که در آیت مبارکه آمده است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ» ولی بر شما گناهی نیست اگر به خانه‌های عمومی داخل شوید که به سکونت انسان‌های معینی اختصاص نداشته، بلکه برای راحت و آسایش کسانی از مسافران، در راه ماندگان و نیازمندان که به آن رفت و آمد دارند تعلق دارد.

مجاهد گفته است: خانه‌های غیر مسکونی عبارتند از: مسافرخانه‌ها و هتل‌های سر راه که هیچ کس در آن سکونت ندارد و برای پناهگاه و استراحت مسافران وقف شده اند. (تفسیر قرطبی ۲۲۱/۱۲).

عطاء می‌گوید: «مراد از آن، خانه‌های متروک و ویران است». پس ورود در این خانه‌ها و تالارهای عمومی که برای مهمانان و هیأت‌های نمایندگی آماده شده، بی‌هیچ اشکالی مجاز است از آن‌رو که کسب اجازه خالی از مشقت نیست.

« فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ » که در آن نفع یا حاجت و نیازی دارید؛ مانند سایه گرفتن و از شر گرما راحت شدن و یا هم ذخیره کردن کالا و بار و بنه.

« وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُدْنُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ » «و خدا آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند» و برمبنای آن به شما جزا می‌دهد. یعنی این‌که خداوند متعال بر تمام احوال شما اعم از آنچه پیدا و پنهان است دانا می‌باشد. این هشدار و تهدیدی است برای کسی که به آداب شرعی ورود به خانه‌ها، متأدب و آراسته نمی‌شود. ابو سعود گفته است: بدین وسیله افرادی را تهدید می‌کند که با نیتی پلید و به منظور اطلاع حاصل نمودن از مسایل خصوصی انسان‌ها وارد اماکن می‌شوند. (ابو سعود ۴/۵۵).

شان نزول آیت: ۲۹:

۷۶۸- ابن ابوحاتم از مقاتل بن حیان روایت کرده است: چون آیت: استنذان، اجازمخواستن برای واردشدن به خانه‌ها نازل گردید. ابوبکر صدیق گفت: ای رسول خدا! تجار قریش که بین مکه، مدینه و شام رفت و آمد دارند در این راه‌ها خانه‌های شخصی برای خود ساخته اند، پس چگونه هنگام واردشدن در خانه‌هایی که خالی از سکنه است اجازه بگیرند؟ آنگاه آیت « لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا ... » نازل شد. خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه (۳۰ الی ۳۱) حکم هفتم، همانا حجاب و فروپوشیدن چشم از نامحرم، مورد بحث قرار گرفته شده است. قابل تذکر است که این آیات متبرکه پیوندش با آیه‌های قبلی بی‌نهایت واضح و روشن و گاهی ورود ناگهانی شخص به منازل دیگران ممکن است با بی‌حجابی و بدحجابی صاحب خانه روبه‌رو گردد. بنابراین، خداوند متعال به مردان و زنان با ایمان امر می‌کند که چشم خود را فرو آورند. این حکم، عمومیت دارد تا انسان متهم نگردد. پس واجب است انسان همیشه در برابر نامحرم چشم فروبندد و فرمان حق را مورد احترام قرار داده باشد. هم چنین زنان باید زینت‌های خود را پوشیده نگه دارند تا آشوب برپا نشود.

و واقعاً احکام مبارکه آیات متبرکه (۳۰ و ۳۲) دل‌ها را به سوی الله متعال باز می‌گرداند و در توبه را بر روی دل‌ها باز می‌کند تا گذشته‌ها با آب پشیمانی پاک شود و دل صافی گردد.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزتر است، زیرا الله از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است. (۳۰)

توضیحات لغات واصطلاحات:

کلمه «يَعْضُوا» از ریشه «غض» به معنای کاستن و پائین آوردن است. چنان که لقمان حکیم به فرزندش می‌فرماید: «وَ اَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» یعنی صدایت را پائین بیاور و با صدای بلند صحبت نکن. در اینجا نیز مراد از «غض بصر» بستن چشم نیست، بلکه پائین آوردن نگاه است، به شکل که انسان نامحرم را ببینند و هدف از آن دوری از چشم‌چرانی و نظربازی است.

«مِنْ»: حرف تبعیضیه است و بیان‌گر این واقعیت است که هنگام روبه‌رو شدن با زن نامحرم، مؤمن باید نگاه خود را کم و کوتاه کند. نه به طور کلی چشمان خود را بر بندد، و نه بدو خیره بنگرد.

«فُرُوجَهُمْ»: مراد حفظ قُبُل و دُبُر یعنی عورتین است از زنا و لواط است و پوشاندن آن‌ها با لباس‌هایی که نازک

بدن‌نما نبوده و به گونه‌ای چسب بدن نباشد که اندام‌های برجسته را نشان دهد.

البته فروپوشیدن چشم از سوی شخصی که می‌خواهد اجازه ورود بگیرد، برای قطع اسباب و مقدمات زنا است، اسبابی که یکی از آن‌ها نگاه کردن می‌باشد. فروبستن چشم عبارت است از این‌که شخص بعضی از نگاه خویش را فرو پوشد، به گونه‌ای که آن را از رؤیت بازدارد زیرا (من) در آیت کریمه، مفید بعضیت است.

امام فخر رازی گفته است: اگر گفته شود: چرا چشم فروهستن را قبل از حفظ فرج آورده است؟ می‌گوئیم: چون نگاه کردن پیام‌آور زنا و پرچمدار گناهان می‌باشد و فتنه و آشوب در آن شدیدتر است، به گونه‌ای که رهائی از آن تقریباً ناممکن است. (تفسیر کبیر ۲۰۵/۲۳).

ادامه دارد